

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

داکتر اجرالدین حشمت



از جنبش مشروطه تا دولت مشروطه در افغانستان

میر سید قاسم خان معروف به میر صاحب :

میر صاحب از بنیان گزاران جنبش مشروطه در افغانستان است که در جریان مبارزات مشروطه اول و دوم نقش قابل ملاحظه داشت. او در سال ۱۲۶۷ هـ (۱۸۸۸ م) در قریه ترنگ چارباغ لغمان به دنیا آمد، پدرش سید غلام محمد خان از علمای جید و بزرگ عصر خود در لغمان بود. (۱۸۶)

امیر عبدالرحمان خان در دوران سلطنت خود علمای بزرگ و مدرسین ولایات را بنا بر ملاحظات خاص سیاسی به مرکز دعوت نمود، تا آنانیکه دانشمندان بزرگ و متبحر هستند در مدرسه شاهی و یادر ولایات به حیث قاضی در مسند قضاء ایفای وظیفه نمایند. بر مبنای همین فیصله دولت سید غلام محمد خان نیز همراه فامیل به کابل آمد که در این وقت میر صاحب ده ساله و برادرش سید هاشم چارسله بود. (۱۸۷) سید قاسم خان دروس ابتدائی - خواندن، نوشتن و متعاقباً علوم متداوله عصر - عربی، فقه، علم کلام، هندسه، ریاضیات، الجبر، مثلثات، علم طب، جغرافیه و حتی موسیقی، رمل و جفر را نیز نزد پدر در همین مدرسه شاهی آموخت و بعضاً برای طالبان پدر تدریس هم میکرد. میر صاحب بعد از طی مراحل فوق الذکر به حیث محرر در مدرسه شاهی مقرر گردید و در همین جا با مولوی محمد سرور و صف الکوزی زعم مشروطه خواهان آینده افغانستان معرفی گردید. (۱۸۸)

عواملی که در ساختمان فکری میر صاحب موثر بود نخست از همه محیط ایام صباوت یا فامیل بود، چه میر صاحب در خانواده روشن فکر عصر که حایز علم و دانش و صاحب مدرسه بود به بار آمد بدیهی است که مدرسه خود در آن زمان محل آموختن و مرکز اخذ دانش بود. ثانیاً والد او سید غلام محمد مدت مدیدی در پشاور طالب العلم بود و بعد در یکی از شهرهای بزرگ هند (بمبئی) برای یک سال در «مدرسه هاشمیه»

تد ریس مینمود . (۱۸۹) محیط و فضای پشاور و هند بریتا نوی نسبت به افغانستان از نظر آزادی های سیاسی و گسترش دیموکراسی با زتر ، جراید ، مجلات و اخبار بیشتر میسر بود . بناءً والد میر صاحب قبلأ با اوضاع جهانی ، تجد و مظاهر تمدن غرب ولو به رویت نشرات و رسالات آشنائی داشت و حتی سید غلام محمد پاچا در جریان تد ریس طور ضمنی گاه گاهی برای شاگردان از اوضاع جهان نیز یاد آوری مینمود . ثالثاً مل دیگریکه در تکمیل شخصیت میر سید محمد قاسم خان نقش قابل ملاحظه داشت ، ارتباط والد او با دربار و درباریان بود چه اعتمادی ها ، میر احمد شاه خان مصاحب دربار امیر حبیب الله خان و سایر رجال دولتی از جمله ارادتمندان او بودند ، از علم و دانش او فیض میبردند و هم بعضی جراید و نشرات مانند « حبل المتین » (۱۹۰) و « صور اسرافیل » (۱۹۱) که از خارج برای مطالعه امیر و مامورین بلند پایه او موصلت میکرد طور مخفی توسط آنها به میر صاحب میرسید تا بعد از مطالعه دوباره مسترد نماید . به احتمال قوی میر صاحب برای اولین بار به اصطلاح « مشروطه » و جنبش های مشروطه خواهی در ایران و ترکیه و سایر انقلاب های جهانی در همین وقت و از طریق همین جراید آشنائی پیدا نموده باشد . مولوی محمد سرور و اصاف هم بنا بر رفاقت و دوستی با میر صاحب طور مستمر این اخبار را مرور مینمود . سرچشمه میر صاحب به محل مصون و محفوظ مطالعات و مباحثات علمی و سیاسی تبدیل شده بود . بناءً این شرایط خاص فامیلی ، محیط کار و ارتباطات وسیع اجتماعی در رشد فکری و ارتقاء سطح دانش اجتماعی و سیاسی و پیش تازی او در جنبش مشروطه خواهی کشور نقش قابل ملاحظه داشت و يك طالب العلم بامنشاء روحانیت را به يك مبارز ، پیش آهنگ و بنیان گذار نهضت مشروطه مبدل کرد .

جامعه ای که میر صاحب در آن میزیست در شکل دهی طرز تفکر او نیز بی تاثیر نبود : فقر و ذلت روز افزون توده های وسیع مردم ، ظلم و ستم و اجحاف دستگاه اداری دولت ، مصارف بی حد و حصر دربار امیر حبیب الله خان کاردار را به استخوان مردم رسانیده بود ، بنا بر آن مجموع عوامل فوق الذکر در تغییر جهان بینی میر صاحب کمک نمود و او را از کنج مدرسه به جبهه مبارزه به خاطر تحقق آرمان دولت مشروطه کشانید .

احمد کسروی نویسنده « تاریخ مشروطه ایران » مینوسد :

« د ویشوای روحانی مشروطه (طباطبائی و بهبهائی) با اطلاع از معنی و هدف مشروطیت به کوشش برخاستند و در نتیجه کوشش های مردانه و بخردانه يك سال ونیم د و سید و همدستان شان مشروطه در ایران پیدا شد . » (۱۹۲)

با در نظر داشت وجوه مشابه ما میتوانیم اذعان نمائیم که مشروطیت در افغانستان به اثر مساعی و تلاشهای مستمر آن د و مردم دانشمند و بزرگ روحانی – مولوی محمد سرور و اصاف الکوزی و میر سید محمد قاسم خان و رفقای شان ، مطابق اقتضای شرایط جامعه استبدادی و طبقاتی افغانستان بنیان گذاری شد و بعداً برای تحقق بخشیدن آن آرمان ملی اقدامات مقتضی اتخاذ گردید .

در سال ۱۹۰۷ میر صاحب به رهنمائی مولوی محمد سرور و اصاف که قبلأ سمت معلمی را داشت ، در مکتب حبیبیه به حیث آموزگار مقرر شد که مضامین : صرف ، نحو ، منطق و اصول فقه را تدریس میکرد ، شمولیت او در این آموزشگاه زمینه فعالیت های سیاسی و تماس های او را با استادان و آموزگاران مساعد ساخت که در نتیجه مکتب حبیبیه به کانون مبارزات سیاسی مبدل گردید . (۱۹۳)

حادثه سال ۱۹۰۹ م که منجر به اعدام ها و حبس های طویل المدت مشروطه خواهان گردید ، میرسید قاسم خان نیز برای مدت دو سال و چند ماه زندانی گردید ، اما به خاطر مقام علمی پدرش امرهائی او از طرف امیر زودتر صادر شد و او دوباره در مکتب حبیبیه به صفت معلم به وظیفه خود ادامه داد . (۱۹۴) بعد از قتل امیر حبیب الله خان و جلوس شاه امان الله خان میر صاحب به مقام های بلند علمی و اداری ارتقاء نمود : در آغاز سلطنت امانی امور ریاست تدریس را عهده دار بود ، بعد از مدتی وظیفه مستشاریت آن وزارت را پیش میبرد و در سال های ۱۳۰۰ - ۱۳۰۵ هـ به اساس امر اعلیحضرت امان الله خان به حیث سردبیر جریده « امان افغان » عزتور حاصل کرد و با آمدن او به اداره جریده موصوف متن مقالات و مضامین از نظر کیفی تغییر نمود و « امان افغان » از پرتیراثرترین جراید آن عصر محسوب میشد . اداره امان افغان به کلپ جوانان و نویسندگان تبدیل شده بود . از سال ۱۳۰۶ - ۱۳۰۷ هـ به صفت کفیل سرمنشی دربار ایفای وظیفه مینمود که این آخرین وظیفه او در عصر مشروطه بود و با سقوط دولت امانی میر صاحب برای مدتی منزوی بود تا در ۱۹۲۹ م مصادف به اغتشاش سقاولی برای زمان معدود زندانی گردید ، ولی با شفاعت عبدالحکیم خان بندی وان و قبلاً ملک کلکان ، به امر امیر حبیب الله خان کلکانی رها گردید (۱۹۵) و تا اوایل سلطنت نادرشاه طور منزوی میزیست . در میزبان ۱۹۲۹ م میرسید قاسم خان به حیث معین وزارت معارف برگزیده شد ، اما در ۱۶ عقرب ۱۳۱۲ هـ (۸ نوامبر ۱۹۳۳ م) که مصدق به قتل محمد نادرخان در چمن دلکشا توسط عبد الخالق متعلم صنف دهم مکتب نجات بود ، میر صاحب با قاتل و سایر متهمین گرفتار و محبوس گردیدند . او با پانزده تن محکومین به اعدام تا مقتل دهمزنگ زیر چوبه دار برده شد اما با شفاعت سردار فیض محمد خان زکریا که از جمله شاگردان وی بود و صدور فرمان محمد ظاهرشاه مورد عفو قرار گرفت و از مرگ نجات یافت ، اما برای هفت سال در زندان ارگ محبوس بود تا در سال ۱۹۴۰ م در اثر پادرمیانی سردار فوق الذکر و سردار محمد نعیم خان به امر محمد هاشم خان صدراعظم وقت از زندان رها شد و در سال ۱۹۴۹ م اولاً به حیث معین اول وزارت عدلیه و بعداً در ۱۹۵۰ م در کابینه سپه سالار شاه محمود خان به حیث وزیر عدلیه ایفای وظیفه مینمود و در همین پست تا سقوط کابینه باقی ماند . (۱۹۶)

میرسید قاسم خان مبارز نستوه ، روشنفکر آزاد منش عالم و روحانی صاحب بینش بود که در مسیر جنبش مشروطه خواهی نشیب و فراز فراوان دید ، حبس های پرمشقت را متحمل شد و طوریکه قبلاً تذکر رفت تا پایه دار هم رسید ، مقام های رفیع دولتی را طی نمود ، ولی با وجود آن همه رنجها و مصائب بی شمار و امتیازات بزرگ مادی و معنوی ، خصوصیات و فضایل فطری و انسانی ، آزاد منشی ، صراحت لهجه ، نقادی ، وطن پرستی و انسان دوستی او تغییر ننمود و تا آخرین لحظات زندگی نام نیک و شایستگی باطنی خود را حفظ نمود و در هر مقام و موضع که قرار داشت تلاش و ابتکار عمل برای بهبود در امور مربوط از خود نشان داد . فهم و دانش ، پشت کار ، شجاعت و خاستگاه روحانی میر صاحب او را در مبارزه مشروطه خواهی در حلقات روشنفکری پیش قدم ساخت و در مدت نیم قرن در مبارزات نهضت مشروطه طلبی و روشنفکری افغانستان مقام و منزلت خاص داشت .

میر صاحب در تشریح ماهیت حقیقی دین اسلام ، روشنگری جامعه ، اشاعه علم و معارف و یادریک جمله در آوردن یک تحول اقتصادی و اجتماعی در جامعه عقب مانده افغانستان تلاش و مساعی زیاد بخرج داد ، چنانچه متن مضامین و مقالات او در « امان افغان » مؤید این ادعا است . با اختصار کلام ، اعمار یک جامعه پیشرفته و مرفه ، آزاد و عاری از تبعیض یعنی سیستم مشروطه هدف و مرام او را تشکیل میداد .

سرا نجام آن مشروطه خواه آزاده در ۲۲ حوت ۱۳۵۷ هـ ش (۱۹۷۸ م) د را تر يك حمله قلبی به عمرنود
سالگی در خانه شخصی واقع کارته چار کابل به رحمت حق پیوست . (۱۹۷)
روحش شاد و خاطره اش گرامی باد !
ادامه دارد

آن عده از هموطنانی که خواسته باشند کتاب را خرید نمایند می توانند به آدرس ذیل تماس بگیرند:

Dr. Ajruddin Hashmat
97 Forest Heights Str.
Whitby, Ont. L1R 1x7. Canada
Tel (905) 665-8767